



Eshraf

Information dominance
Strategic insight!

مرکز رصد اندیشه‌های استراتژیک

نشریه مخاطب خاص
تهیه شده در مجتمع رسانه ای اطلس
اردیبهشت ۱۳۹۰
الف/الف/۲۴۵۴/۹۰۰۲



UNCLASSIFIED//FOUO

JIEDDO J2 GIRC

Product Serial: 09292009-028

تنگه هرمز و تهدیدات دریایی

(U) Water-borne IED Threats and the Strait of Hormuz

منبع مرکز تحقیقات اطلاعات جهانی

نویسنده: مارکو دی. توماسی



UNCLASSIFIED//FOUO

• (U) خلاصه

تنگه هرمز همان گذرگاه آبی باریکی است که امکان دسترسی از مسیر آبی به خلیج فارس را از طریق دریای عمان فراهم می‌آورد. وزارت انرژی ایالات متحده (DOE) تنگه هرمز را در زمره یکی از شش شریان حیاتی در توزیع و تجارت جهانی نفت دسته بندی می‌کند.

تمرکز چنین ترافیک دریایی حائز اهمیتی در چنین گذرگاه باریکی موجب شده تنگه هرمز به منطقه‌ای استراتژیک برای هدف قرار دادن اهداف دریایی توسط گروه‌هایی تبدیل شود که مترصد تهدید تجارت جهانی یا ایجاد اختلال در آن هستند.

ایران که در سواحل شمالی این تنگه قرار گرفته تاکنون به دفعات تهدید کرده در به تلافی حمله به برنامه هسته‌ای خود ترافیک دریایی عبوری از این تنگه را مختل سازد. علاوه بر آن القاعده بر اساس گزارشات موجود طی یک دهه گذشته در حال برنامه‌ریزی برای حمله به گلوگاه‌های دریایی حیاتی از جمله تنگه هرمز بوده است. این گروه همچنان به دنبال تحقق این هدف است و از تاکتیک‌های موفق سایر گروه‌های نظامی از جمله بیه‌های تامل (LLTE) الگوبرداری می‌کند.

تنگه هرمز با تسلیحات دریایی متعارف یا ادوات انفجاری می‌تواند هدفی مناسب برای حضور القاعده در دریاها و اقداماتش در این حوزه باشد.

• (U) اهمیت تنگه هرمز

تنگه هرمز گذرگاه آبی باریکی است که بین ایران، عمان و امارات متحده عربی قرار گرفته و خلیج فارس را به دریای عمان پیوند می‌دهد. هرچند عرض تنگه هرمز ۲۱ مایل است اما عرض مناسب برای حرکت کشتی‌های بزرگ به مراتب کمتر از این است.

معاهدات بین‌المللی کریدوری یک مایلی برای ترافیک دریایی داخلی و یک مایل دیگر برای ترافیک دریایی خارجی به علاوه یک مایل دیگر بین این دو به عنوان فضای حاشیه در نظر گرفته است. عمق خطوط دریایی به طور متعارف بین ۵۰ تا ۸۰ متر است. تنگه هرمز تنها مسیر دسترسی کشتی‌های تجاری به بنادر خلیج فارس است. در سال ۲۰۰۵ میلادی حجم مالی تجارت از طریق تنگه هرمز بیش از ۳,۲۵ تریلیون دلار بود.



به گزارش وزارت انرژی، تنگه هرمز یکی از گلوگاه‌های حیاتی در توزیع و تجارت نفع است. روزانه تقریباً ۱۷ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کند که تقریباً معادل ۲۰ درصدی نفتی است که در عرصه بین‌المللی مبادله می‌شود.

این ترافیک نفتکش‌ها از طریق تنگه هرمز همچنین متضمن ۹۰ درصد نفتی است که از منطقه خلیج فارس صادر می‌شود. علاوه بر نفت خامی که از تنگه عبور می‌کند بیش از ۲ میلیون بشکه از انواع محصولات پتروشیمی هر روز از این تنگه جابه‌جا می‌شود.

• (U) حوادث دریایی پیشین

(U) حملات دریایی در حوالی تنگه هرمز و خلیج فارس بارها در تاریخ به ثبت رسیده است. در عصر ما مین‌گذاری این گذرگاه آبی توسط کشورهای همسایه به وقوع حوادث متعدد آسیب و غرق شدن شناورهای تجاری و نظامی منجر شده است.

مین‌گذاری و حملات موشکی توسط ایران و عراق در دهه ۱۹۹۰ میلادی به آسیب دیدن و غرق شدن چندین شناور تجاری و همچنین آسیب دیدن رزمناو ساموئل روبرتز (FFG-۵۸) در سال ۱۹۸۶ منجر شد. مین‌گذاری توسط عراق همچنین به آسیب دیدن رزمناو تریپولی (LPH-۱۰) و پرینستون (CG-۵۹) در سال ۱۹۹۱ منجر شد.

(U) دهه گذشته شاهد شماری از حملات دریایی از سوی گروه‌های نظامی افراطی در منطقه بودیم. در سال ۲۰۰۴ میلادی اعضای تیم تجسس از شناور نظامی فایربولت (PC-۱۰) یک لنج ماهیگیری محلی را در نزدیکی سکوی نفتی الامیه در نزدیکی سواحل عراق را برای بازرسی‌های متعارف متوقف کردند. افراد حاضر در این لنج مواد منفجره پنهان شده برای انجام به ظاهر نوعی حمله ای انتحاری را منفجر کردند که در آن تعدادی از اعضای تیم تجسس کشته شده و تنی چند نیز به شدت مجروح شدند.

(U) علاوه بر حملات دریایی، این تنگه در گذشته شاهد حوادث دریایی بوده است. حجم بالای کشتی‌های بزرگ عبوری در فضایی به نسبت اندک، فضایی دشوار برای فعالیت کارکنان شناورهای دریایی حتی در بهترین شرایط به وجود می‌آورد.

در سال ۲۰۰۷ میلادی زیردریایی نظامی نیوپورت نیوز (SSN-۷۵۰) با نفتکش بزرگی به نام موگامیگاوا در حاشیه جنوبی تنگه هرمز برخورد کرد. این نفتکش ژاپنی و زیردریایی آمریکایی وقتی

قصد داشتند وارد تنگه شوند با هم برخورد کردند.

در مورد دیگری شناورهای نظامی هارتفورد (SSN-۷۶۸) و نیوورلانز (LPD-۱۸) در حال حرکت در این تنگه در ماه مارس سال ۲۰۰۹ میلادی با هم تصادف کردند. اگرچه این اتفاقات نتیجه تروریسم یا حمله نظامی از سوی قدرت های خارجی نیست اما کوچکی جایی که شناورها باید در داخل و اطراف تنگه هرمز حرکت کنند را به نمایش می گذارد.

• (U) القاعده به عنوان تهدیدی دریایی

(U) القاعده تا این مقطع توجه قابل توجهی به برنامه تروریسم دریایی به سان تمرکزی که بر تروریسم مستقر در خشکی داشته، نشان نداده است.

از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ عبدالرحیم نشیری «شاهزاده دریاهای القاعده» بود. او که از اتباع عربستان سعودی بود از بازماندگان جنگ طالبان علیه ائتلاف شمال افغانستان در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی است. او بعدها به ریاست عملیات القاعده در شبه جزیره عربستان رسید که به طور مداوم در حال رایزنی با اسامه بن لادن بود.

النشیری در دوران همکاری اش با القاعده مغز متفکر و طراح حمله ناکام به رزمناو آمریکایی سولیوانس (DDG-۶۸)، حمله موفقیت آمیز به ناو کول (DDG-۶۷) و شناور کیمبورگ بود.

طرح های تروریسم دریایی او تا پیش از اسارتش در سال ۲۰۰۲ میلادی که به زندانی شدنش در خلیج گونتناموی کوبا منجر شد مواردی چون استفاده از قایق های بادی مملو از مواد منفجره علیه کشتی ها، منفجر شدن کردن ادوات انفجاری داخل یا نزدیکی بنادر کشتیرانی، اصابت هواپیما به اهداف دریایی و ایجاد تیم های آموزش دیده غواصی ویژه را در برمی گرفت.

تیم های غواصی قرار بود با قرار دادن مخفیانه ادوات انهدامی در اهداف دریایی یا منفجر کردن خود به عنوان عامل انتحاری به عنوان تیم های تخریب زیرآبی عمل کند.

(U) بر اساس گزارشات موجود النشیری و القاعده برای انجام حملات دریایی تا حدود زیادی از موفقیت های ببرهای تامیل در سریلانکا الهام گرفته اند. هرچند شواهدی کافی در تایید این که ارتباطی رسمی بین ببرهای تامیل و القاعده وجود دارد در دست نیست اما این مساله کاملاً مشهود است که ببرهای تامیل مقلد تاکتیک های موفقیت آمیز القاعده از جمله ساخت جلیقه های انفجاری و استفاده از بمبگذاران انتحاری مونث است.

حداصل سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی ببرهای تامیل ۱۰ حمله موفقیت آمیز با ادوات انهدامی



علیه یگان‌های دریایی سریلانکا انجام دادند. این حملات همگی متضمن استفاده از قایق‌های کوچک مملو از مواد منفجره بود که در نزدیکی بدنه شناور هدف منفجر می‌شد.

ببرهای تامیل ادعا دارد حملات القاعده علیه ناو کول و لیمبورگ با الگوبرداری از اقدامات آنها در آب‌های جنوب شرق آسیا انجام شده است. ببرهای تامیل همچنین تاریخچه موفقیت آمیزی در استفاده از ادوات زیرآبی، غواصی و قایق‌های تندرو به عنوان سکوی انجام حملات دریایی متعارف به علاوه شیوه‌های رساندن ادوات انفجاری به اهداف دریایی دارد.

حملات اخیر ببرهای تامیل استفاده از قایق به عنوان ادوات انفجاری سرنشین دار به علاوه استفاده از امکانات غواصی برای نزدیک شدن پنهانی به شناورها را هم شامل می‌شود. این گروه با استفاده از راهکار دوم، یک شناور گشت دریایی سریلانکا را با منفجر کردن ادوات انهدامی در زیر کشتی توسط بمب‌گذاری انتحاری نابود کرد.

(U) نمونه‌های دیگری از تروریسم دریایی القاعده در سواحل اسرائیل به وقوع پیوست. از سال ۱۹۸۸ تاکنون گروه‌های تروریستی حداقل ۹ مورد حملات انتحاری با ادوات انفجاری انجام داده‌اند که هدف شان سواحل اسرائیل و شناورهای دریایی این رژیم بوده است.

مسئولیت این حملات را طیفی از گروه‌ها که از گروه سکولار چپ‌گرای افراطی جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) تا گروه‌های فوق افراطی راست‌گرا مثل جنبش جهاد اسلامی (PIJ) و حماس را در برمی‌گیرد. در همه این موارد بمبگذاران انتحاری قایق‌های کوچک مملو از مواد منفجره را به سمت اهداف مورد نظر خود هدایت کردند.

(U) علاقه القاعده به اهداف دریایی با اسارت النشیری در سال ۲۰۰۲ پایان نیافت. در سال ۲۰۰۵ میلادی گردان‌های عبدالله عظام، از گروه‌های زیرمجموعه القاعده مسئولیت حمله موشکی به شناورهای جنگی کرسارج (LND-۳) و اشلند (LSD-۴۸) را بر عهده گرفت.

در زمان انجام حمله این دو شناور در اردن پهلو گرفته بودند. راکت‌های گردان‌های عبدالله عظام به اهداف مورد نظرشان برخورد نکردند و به جای آن به لنگرگاه اصابت کردند. شناورهای کرسارج و اشلند در واکنش به این عملیات ناکام بلافاصله بندر را ترک گفتند.

گزارش‌ها در مورد ادامه برنامه ریزی القاعده برای حملات دریایی به مراتب گسترده‌تر از علایق النشیری بوده است. ارتباط این برنامه‌ها با اعضای القاعده که آموزش‌های ویژه از جمله درس‌های آموزش غواصی را پشت سر گذاشته‌اند همچنان در حال از پرده برون افتادن است.

در سال ۲۰۰۳ میلادی جورج تنت، رئیس وقت سیا در گزارش به کمیته اطلاعاتی سنا اعلام داشت القاعده در حال پالایش تاکتیک‌ها و توانمندی‌های خود در زمینه حملات دریایی است. در یادار

آلن وست، فرمانده نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا هم این هشدار را یکسال بعد و وقتی گزارش داد که القاعده مترصد حمله علیه شناورهای دریایی تجاری است، تکرار کرد. وست در ادامه تاکید کرد گزارشاتی در دست دارد که نشان می دهد القاعده به دنبال هدف قرار دادن گلوگاه های دریایی است. طرح های از پرده برون افتاده پیشین القاعده علیه گلوگاه های دریایی مواردی چون تنگه جبل الطارق و در همین اواخر در سال ۲۰۰۹ میلادی کانال سوئز را در برمی گیرد.

• (U) ایران به عنوان تهدیدی دریایی

(U) مجاورت مستقیم ایران با تنگه هرمز سیطره اطلاعاتی بر این گذرگاه دریایی را برای این کشور ممکن ساخته است. مرکز فرماندهی و بندرگاه اصلی نیروی دریایی ایران بندرعباس درست در حاشیه شمالی تنگه هرمز است. منابع نیروی دریایی ایران بر اساس گزارش های موجود چند شناور کوچک، کشتی های باری، یک رزمناو، یک مین روب و ۳ زیردریایی کلاس کیلو با توانمندی های مین گذاری را در برمی گیرد.

استفاده از مین با توجه به وجود مین های ضدکشتی پیچیده در زرادخانه ایران تاکتیک دریایی اصلی این کشور است. ایران همچنین تاسیسات موشک های ضدکشتی و ضدهوایی را در چند نقطه مسلط بر تنگه هرمز و همچنین در حاشیه سواحل شمالی خلیج فارس مستقر کرده است.

(U) شناورهای نیروی دریایی و هواپیماها به طور منظم از تنگه هرمز پاسداری می کنند که همین مساله نیروهای نظامی این کشور را به نیروهای ایالات متحده و دیگر نیروهای ائتلاف نزدیک می کنند. در اکثر موارد همه نیروهای حاضر در منطقه بدون هیچ حادثه ای همزیستی پیدا می کنند. هرچند ایران در سال های اخیر اقداماتی را با هدف تهدید ناوگان آمریکا در منطقه آغاز کرده است. این تاکتیک ها مواردی چون هجوم تعداد زیادی از قایق های تندروی کوچک به سمت شناورهای به مراتب بزرگتر آمریکایی به هنگام عبور از تنگه هرمز را دربر می گیرد.

در ژانویه سال ۲۰۰۸ میلادی این تاکتیک با تهدیدات رادیویی ممزوج شد. در بخشی از این پیام های رادیویی که در اختیار رسانه ها قرار گرفت یکی از ایرانی ها گفته بود «من در حال حرکت به سمت شما هستم و تا دقایقی دیگر شما را منفجر می کنم». این عملکرد به تنش های بین دو طرف دامن زد و محرک واکنش نظامی بود. در یکی از این موارد قایق های تندرو پیش از آن که سه شناور نظامی عبوری آمریکا به روی آن ها آتش بگشایند، عقب کشیدند.

(U) شناورهای نظامی تنها هدف این رفتارهای مخاطره آمیز دریایی نیستند. از ژانویه ۲۰۰۵ تاکنون بیش از ۲۰ درصد اقدامات ضدکشتی که در اطراف تنگه هرمز گزارش شده شباهت با مواردی دارد که از سوی نیروی دریایی آمریکا گزارش شده است.

مواردی که شناورهای تجاری توصیف کرده اند جزئیاتی چون قایق های تندرو آبی رنگ به طول ۵ متر، وجود چند سرنشین در هر قایق، مسلح بودن به مسلسل های خودکار توسط مهاجمان و استفاده از ماسک توسط مهاجمان را شامل می شود. در همه موارد گزارش شده قایق های تندرو عملیات تعقیب خود را بدون صدمه به خدمه شناورهای تجاری یا لطمه به خود شناور به پایان می رسانند.

(U) ایران از توان اخلاص در ترافیک دریایی خلیج فارس و تنگه هرمز با اتکا به فعالیت های نظامی و مین گذاری برخوردار است.

این کشور در سال ۲۰۰۶ تهدید کرد در صورت هدف قرار گرفتن برنامه هسته ای خود با بستن تنگه هرمز گلوگاه تامین نفت جهان را خواهد فشرد. طی سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ تهدیداتی با همین ماهیت تکرار شد. در حالی که شناورهای تجاری و نظامی موارد متعددی از رفتارهای تهدیدآمیز از سوی نیروهای دریایی ایران را گزارش داده اند اما تا این زمان ایران به هیچ یک از حملات دریایی اخیر در یا اطراف تنگه هرمز مرتبط نشده است.

• (U) اثر حمله ای موفقیت آمیز

(U) تنگه هرمز مکانی مناسب برای حملات با ادوات انفجاری از سوی گروه های مسلح مثل القاعده است. این تنگه شاهد حجم عظیمی از اهداف ارزشمند نظامی و تجاری است. ترافیک دریایی نظامی و تجاری در بخش کوچکی از این گذرگاه آبی اتفاق می افتد. علاوه بر آن تداوم این تجارت روزانه از طریق تنگه دورنمای وجود دائمی اهداف ارزشمند نظامی و اقتصادی را ترسیم می کند.

(U) این امر کاملاً نامحتمل است که موارد منفرد حمله با ادوات انفجاری با قایق های تندرو مثل آنانی که در خلیج عدن در یمن و نزدیکی سواحل این کشور به وقوع پیوست بتواند به شکلی موثر و موفقیت آمیز جابه جایی نفت، گاز و سایر کالاها را از طریق تنگه هرمز متوقف سازد.

حتی اگر کشوری یا گروهی مسلح در هدف قرار دادن نفت کش های بزرگ یا همان سوپرتانکرهای ناوگان جهانی که ابعادی در حدود ۳۳ متر طول و ۳۰,۵ متر ارتفاع دارند موفقیت کسب کند باز هم این اتفاق برای بستن این گذرگاه ناکافی خواهد بود.

با این حال حملاتی با این ماهیت می تواند حجم تردد کشتی های تجاری از طریق تنگه هرمز را کاهش دهد و به دلیل ضرورت بالا بردن پوشش بیمه ای و امنیتی به افزایش هزینه انتقال کالاها از این مسیر منجر شود.

(U) یکی از شیوه های موثرتر شبه نظامی ها برای مختل کردن ترافیک دریایی در تنگه هرمز می تواند متضمن مین گذاری این گذرگاه با ادوات انفجاری یا سلاح های متعارف باشد. در سال ۱۹۸۴ میلادی ادوات انفجاری به سطح آمده و شناور در آب به نوزده کشتی تجاری در دریای سرخ صدمه وارد آوردند. چند ماه بعد مقامات مرتبط اعلام کردند نیروی دریایی لیبی این مین ها را رها کرده بود. کشتی مین گذاری که به شکل شناور باری تجاری درآورده شده بود برای دو هفته بی آن که توجهی را به خود جلب کند مشغول رها سازی این مین ها بود. مصر نیروی چندملیتی بزرگی را برای مشارکت در عملیات «نگاه عمیق» برای پاکسازی منطقه از مین تشکیل داد تا امکان ادامه تردد امن کشتی های تجاری را در دریای سرخ و کانال سوئز فراهم آورد. القاعده یا ایران با اتکا به استراتژی لیبی می توانند بدون جلب توجه زیادی ادوات انفجاری را در زیر سطح یا روی آب های تنگه هرمز رها سازند.

(U) مین گذاری تنگه در نفس خود می تواند ترافیک دریایی در دریا را تا زمان پاکسازی کامل منطقه متوقف ساخته یا بسیار کند، کند. تبعات بالقوه حمله ای موفق چه با ادوات انفجاری و چه مین های دریایی متعارف برای اقتصاد جهانی فاجعه آمیز خواهد بود. نفتکش های بزرگ در حال تردد از تنگه هرمز به طور متوسط ۱,۱ میلیون بشکه نفت به ارزش بیش از ۷۵ میلیون دلار با قیمت های کنونی بازار را حمل می کند. اگرچه از دست رفتن تنها یک نفتکش ممکن است تنها به افزایش جزئی و کوتاه مدت قیمت نفت منجر شود هدف قرار گرفتن چند نفتکش یا کندی تردد آن ها تاثیری به مراتب عمیق تر خواهد داشت. ایالات متحده، ژاپن و جنوب شرق آسیا به شدت به منابع انرژی که از طریق تنگه هرمز جابه جا می شوند وابسته هستند. به عنوان مثال تقریباً ۷۵ درصد نفت مصرفی ژاپن از تنگه هرمز می گذرد. اگرچه چندین خط لوله به عنوان جایگزین وجود دارد که کشورهای حوزه خلیج فارس می توانند نفت خود را از طریق آن ها حرکت دهند اما ظرفیت آن ها برای انتقال گاز و مشتقات نفتی از مسیرهای جایگزین آنقدر نیست که توقف ترافیک سوپرتانکرها را جبران کند.

(U) علاوه بر تبعات اقتصادی حملات موفقیت آمیز با ادوات انفجاری در تنگه هرمز می تواند عملیات نظامی آمریکا و کشورهای متحد در منطقه را تحت الشعاع قرار دهد.



مقر مرکزی فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده (NAVCENT) در بحرین واقع در حاشیه جنوبی خلیج فارس قرار دارد. هدف اصلی این استقرار ایجاد شرایط عملیات دریایی امن در عین اجرای مأموریت این ناوگان در منطقه است.

تنگه هرمز تنها گذرگاه آبی قابل کشتیرانی است که شناورهای دریایی از طریق آن می‌توانند وارد خلیج فارس شده یا از آن خارج شوند. انسداد جزیی یا کامل این تنگه بر عملیات دریایی در کل منطقه تاثیرگذار خواهد بود.

• (U) نتیجه

(U) تنگه هرمز از شریان حیاتی برای برقراری ترافیک تجاری و نظامی در منطقه است. حرکت شناورهای تجاری از طریق این گذرگاه در واقع به شکلی موثر و گسترده به اقتصاد جهان انرژی تزریق می‌کند.

تمرکز ترافیک دریایی ارزشمند که از منطقه‌ای تا این حد کوچک می‌گذرد تنگه هرمز را به جایی که مورد علاقه گروه‌های مسلح و کشورهای یاغی که به دنبال تهدید یا اختلال در اقتصاد جهانی هستند، تبدیل ساخته است. ایران به دفعات تهدید کرده در صورت هدف قرار گرفتن برنامه هسته‌ای خود تجارت از طریق تنگه هرمز را مختل خواهد کرد.

در همین حین طی یک دهه اخیر هر از چند گاهی گزارش‌هایی از برنامه القاعده برای حمله به اهدافی در اطراف گذرگاه‌های دریایی حیاتی به سطح آمده و طرح‌های حمله به تنگه جبل الطارق و کانال سوئز پیش از این بی اثر شده است.

القاعده همچنان به دنبال انجام حملات دریایی است و تاکتیک‌های سایر گروه‌های مسلح مثل بربهای تامیل را به عاریت گرفته است. مشخصات تنگه هرمز آن را چه با ادوات انفجاری و چه تسلیحات دریایی متعارف به جایی مناسب برای انجام حملات دریایی تبدیل ساخته است.

پایان